|  |
| --- |
| **ﺷﻨﺎﺧﺖ اﺑﻌﺎد ﭘﺎﯾﺪاري و ارﺗﻘﺎء آن ﺑﻪ ﻣﻨﻈﻮر دﺳﺘﯿﺎﺑﯽ ﺑﻪ جامعه پایدار**  ***رقیه مقتدر منصوری1، سوزان ارانی فرد2***   1. دانشجوی فوق لیسانس دانشگاه آزاد اسلامی عجب شیر،ایران   2. عضوهيئت علمي موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی غیر دولتی مارليک نوشهر |
| **Dimensions of Sustainability and its Proposal to Diabetic Sustainable Community**  **Roghayeh Moghtader Mansori1, Sozan Arani fard 2**   1. Student of Architecture, Islamic Azad University, Ajabshir, Iran 2. Faculty of Architecture, Islamic Azad University, Ajabshir, Iran |
| r.moghtader mansori@gmailcom |

**چکیده**

پیشرفت کشورها در گرو پیش بینی آینده و بازنگری در عملکرد و اهداف، تبیین وضع موجود و ترسیم مسیر آتی توسعه به منظور یافتن پاسخ برای نیازهای محلی، منطقه ای، ملی و جهانی است. دستيابي به توسعه پایدار در كليه ابعاد آن، آرمان اصلي هر جامعه است. پايداري واژه اخر قرن بيستم است. اين گزارش شامل سه لايه است: توسعه، برابري و مساوات، حفظ محيط زيست . برابري و مساوات لايه اي از توسعه پايدار است كه با تاكيد بر اصل عدالت اجتماعي يا برابري درون نسلي مفهوم پايداري را وارد پژوهش ها در حوزه هاي اجتماعي كرده است و بطور خلاصه می توان گفت نوعی روش فکر کردن است که نسل حاضر و نسل آینده را ایمن می سازد، کیفیت زندگی را در عرصه های اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی و در سطح جهانی بهبود می بخشد. توسعه پايدار همزمان با توسعه اقتصادي و پيشرفت اجتماعي بر ضرورت توجه به محيط زيست و حفط منابع طبيعي تاكيد مي كند توسعه پايدار را مي توان مديريت روابط نظام هاي انساني و اكوسيستم هاي طبيعي با هدف استفاده پايدار از منابع در جهت تامين رفاه نسل هاي حال و آينده تعريف كرد. برنامه توسعه ملل متحد به عنوان شبكه جهاني توسعه سازمان ملل، با ارائه الگوها، تكنولوژي و برنامه هاي آموزشي، توانمندي كشورها را در راستاي دستيابي به اهداف توسعه پایدار ، بهبود برنامه هاي اقتصادي، مديريت بالاي طبيعي و حفظ محيط زيست تقويت مي كند.این پژوهش به روش توصيفي و تحليلي انجام شده است. هدف اصلي این پژوهش، آشنايي مختصر با مفاهيم جامعه پایدار ، اهداف سازمان ملل در راستای نیل به آینده پایدار و نمایان ساختن روند پیشرفت توسعه پایدار و این که آیا نگاه پایدار جوابگوی این عصراست و یا در عصر بحران هویت نگاه معماری پایدار بدان دامن خواهد زد.

**کلمات کلیدی:** توسعه پایدار،جامعه پایدار، سازمان ملل، آینده پایدار.

**Abstract**

**The progress of countries depends on predicting the future and reviewing performance and goals, explaining the status quo, and charting the future path of development to meet local, regional, national and global needs. Achieving sustainable development in all its dimensions is the main goal of every society. Sustainability is the last word of the 20th century. The report consists of three layers: development, equality and equality, environmental protection. Equality and equality is a layer of sustainable development that has emphasized the principle of social justice or intra-generational equality in the concept of sustainability in social research, and in short it can be said to be a way of thinking for the present and future generations. Ensures safety, improves quality of life in the economic, social, cultural and political spheres and globally.** Sustainable development along with economic development and social development emphasizes the need to pay attention to the environment and natural resource conservation. Sustainable development can be the management of the relationships between human systems and natural ecosystems with the aim of sustainable use of resources for the benefit of present and future generations. The future is defined. The United Nations Development Program (UNDP) as a global network of UN development, enhances countries' ability to achieve sustainable development goals, improve economic programs, manage natural resources and protect the environment by providing models, technologies and training programs.The main **purpose of this article is to introduce a new approach to designing medical centers, to identify organizations associated with hospital green architecture, and to obtain the process of green architectural design because, without first adhering to the principles of green architecture, a hospital cannot be called green. The research method used in this paper is descriptive and analytical based on valid and recent library studies, documents, and scientific findings.**

**Keywords: Green Hospital, Sustainable Architecture, Renewable Energy, Nature**

**1- مقدمه**

همانگونه که می‌دانیم با انقلاب صنعتی و پیشرفتهای فنی- تکنولوژیکی در عرصه معماری، معماری بومی اقصی نقاط دنیا که با توجه به طبیعت و محیط پیرامون خود شکل می‌گرفت و همساز با اقلیم سر بر می‌افراشت به دست فراموشی سپرده شد.  
معماری مدرن نیز که زاده این تحولات بود به طور کل بستر شکل‌گیری معماری را نادیده گرفت. پیشرفتهای عظیم تکنولوژی استخراج نفت و سایر ذخایر زیرزمینی نیز استفاده هر چه بیشتر این منابع تجدید ناپذیر را فراهم آورد و لذا با وجود منابع سوختی فراوانی که در دسترس بود تامین نیازهای گرمایشی به راحتی میسر شد (الیوت،1378).

دهه 70 را می توان دهه آگاهی یافتن از بحرانهای زیست محیطی نامید که عکس‌العمل هایی را در دنیا ایجاد نمود که توسعه پایدار یکی از آنهاست. توسعه پایدار که در دهه 70 مطرح گردید حاصل شناخت عمیق نسبت به محیط پیرامون بوده است.  
از آنجا که برطبق آمار 50 درصد ذخائر سوختی در ساختمانها مصرف می‌شود لذا جستجوی راه حل اساسی برای این معضل بدیهی می‌نمود. نکته دیگر اینکه؛ علاوه بر توجه به طبیعت، توجه به انسان نیز در اهم موارد قرار گرفت. انسان مدرن که در پس جوامع صنعتی به ابزار بدل شده است نقطه اصلی توجه توسعه پایدار می‌باشد و می‌توان گفت طراحی پایدار و توسعه پایدار بخاطر ابعاد انسان‌مدارانه و انسان‌گرایانه ارزش و اعتباری خاص یافته‌اند (سدریک،1383).

**2- توسعه پایدار**

مسئله "توسعه پايدار" به عنوان اساسی ترين، حياتی ترين و محورى ترين مناظره در قرن بيست و يکم به شمار مي آيد. اين اصطلاح امروزه به عنوان يكي از اصلي ترين موضوعات مورد بحث كنفرانس ها، مؤسسات پژوهشي، نهادهاي بين المللي و بخصوص برنامه ريزان رشد و توسعه اقتصادي كشورها درآمده است؛ تا جايي كه امسال سران كشورها، رهبران دولت ها، نمايندگان بلندمرتبه جامعه جهاني جهت شركت در هفتادمين جلسه مجمع عمومي سازمان ملل متحد در نيويورك حضور يافتند تا دستورالعمل هايي را به تصويب برسانند كه هدف از آنها پايان دادن به فقر، حفاظت از كره زمين و ايجاد رفاه براي همگان است. آنچه كه در اين دستورالعمل 17بندي مهم به نظر مي رسد، قرار دادن فرهنگ در قلب سياست هاي توسعه پايدار، به منزله سرمايه گذاري ضروري در قبال آينده دنيا است (الیوت،1378). اصطلاح "توسعه پايدار" يا "پايا" در اوايل سالهای دهه 1970 و از سوي برخي از انديشمندان حوزه مطالعات اقتصادي و اجتماعي به کار گرفته شد. تعاريف متعددي از صاحبان فكر و نظريه درباره اين مقوله صورت گرفته است كه در ادامه با برخي از آنها آشنا مي شويم.

* توسعه پايدار فرآيندی است برای بدست آوردن پايداری در هر فعاليتی استفاده مي شود که نياز به منابع و جايگزينی سريع و يکپارچه آن وجود دارد.
* توسعه پايدار در کنار رشد اقتصادی و توسعه بشری در يک جامعه يا يک اقتصاد توسعه يافته، سعی در كسب توسعه مستمر، ورای توسعه اقتصادی دارد.
* توسعه پايدار عنصر سازمان دهنده ای است که موجب پايداری منابع تجديدناپذير و محدودی مي شود که برای زندگی نسل آينده بر روی کره زمين ضروری هستند.
* توسعه پايدار راه حل هايی را برای الگوهای فانی ساختاری، اجتماعی و اقتصادی توسعه ارائه می دهد تا بتواند از بروز مسائلی همچون نابودی منابع طبيعی، تخريب سامانه های زيستی، آلودگی، تغييرات آب و هوايی، افزايش بی رويه جمعيت، بی عدالتی و پايين آمدن کيفيت زندگی انسانهای حال و آينده جلوگيری کند(همان).

در كنار تعاريف ارايه شده فوق الذكر كه همگي به نوعي جنبه اي از جنبه هاي مختلف توسعه پايدار را به درستي ترسيم مي كنند، مايكل تودارو، نويسنده شهير كتاب " اقتصاد و توسعه" و از چهره هاي شناخته شده در عرصه اقتصاد بر اين عقيده است كه ":توسعه از نظر انديشمندان علوم اقتصادی و اجتماعی، به معنای ارتقای مستمر كل جامعه و نظم اجتماعی بهسوی زندگی بهتر يا انسانی تر است؛ اما توسعه اى كه نيازمندی های حاضر را بدون لطمه زدن به توانايى نسلهاى آتى در تأمين نيازهاى خود برآورده می سازد، توسعه پايدار گويند. آنچه در تعاريف مربوط به توسعه پايدار مشترک است، جنبه پويايی آن، رفع نيازهای اساسی، توجه خاص به حفاظت از محيط زيست و جلوگيری از تخريب و آلودگی آن است. اولويت دادن به سرمايه انسانی به ويژه جوانان در جهت پايداری توسعه، نقش مديريت در به دوش کشيدن و بالابردن تلاش ها در راستاي تحقق توسعه، نقش سازمان های مدنی اجتماعی برای پيش راندن توسعه از پايين به بالا، آميختن توسعه با ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه مقصد و ... عموما از جمله عواملي هستند كه مي توانند در نيل به توسعه پايدار در يك جامعه موثر باشند.

به طور کلی توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را دربردارد، شامل دگرگونی های اساسی در ساخت های نهادی، اجتماعی-اداری و همچنین هنجارها و دیدگاه های عمومی مردم است (طبسی، 1389).

**نمودارشماره 1: مولفه های توسعه پایدار(نگارنده)**



توسعه پایدار ، به همان میزانی که ابعاد جهانی دارد به همان نحو نیز دارای ابعاد محلی می باشد. یعنی در توسعه پایدار یک نوع کنش متقابل بین فرایند های محلی و جهانی دیده می شود و چون نواحی جغرافیایی، سیستم های بازی می باشند در نتیجه به همگرایی ناحیه ای با سایر نواحی و کل سیاره زمین برخورد می کنیم که بیش از پیش بیشتر مسائل توسعه پایدار را در قلمرو دانش جغرافیا قرار می دهد(حیدری،1392).

**2-1 بررسی عوامل كلیدي موثر در حركت به سمت توسعه پایدار**

در يك نگاه كلي مي توان گفت توسعه پايدار عبارتست از توانايي جامعه در هدايت توسعه اش به سمت آينده مطلوب. از نگاه دانش پژوهان، توسعه پايدار به نگرش مشاركتي با ذينفعان مختلف در فرآيند سياستگذاري و پياده سازي دلالت دارد كه در آن منابع عمومي و خصوصي براي توسعه بسيج شده و از دانش، مهارت و انرژي همه گروه هاي اجتماعي كه دغدغه آينده زمين و ساكنانش را دارند، استفاده مي شود. بنابراين در مسير حركت به سمت توسعه پايدار، الزامات ذيل بايد مورد توجه قرار گيرد(مولدان،1391).

**جدول شماره 1: الزامات توسعه پایدار**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | الزامات | |
| 1 | تعامل گرايي | به معناي دخيل شدن بازيگران مختلف عرصهي اجتماع در فرايند شورايي گردآوري و توليد دانش. براين اساس كه ادراک كلي جامعه از منافع عمومي بالا رود. قرار دادن مردم در مركز هر گونه توسعه مهمتر از فعاليتهاي روشنفکرانه است و اينکه مردم خود عضو فعال تغيير باشند، تضمين بيشتري براي اينکه دستاوردهاي جاري، به قيمت نابودي نسل آينده نباشد، ايجاد مي كند. |
| 2 | تکثرگرايي | به اين معنا كه امکان تعريف توسعه پايدار در فرهنگها و فضاهاي مختلف وجود داشته باشد. درواقع نياز به هم زيستي ايدئولوژي هاي مختلف، سازمانها و نهادهاي مختلف، ضروري است. در توسعه پايدار نيازمند رويکرد كثرت گرايانه كه در آن تعدد بازيگران و تعدد سطوح وجود دارد ، هستيم كه بايد چشم اندازهاي مشترک برايشان ايجاد شود. |
| 3 | بازتاب پذيري | مبين قابليت سيستم در تغيير خود در يك فرآيند بازگشتي است. به نوعي بيانگر انعطاف سيستم در برابر شرايط متغير يا تجديدپذيري است |
| 4 | چندمركزي | بيانگر نياز به يك سيستم پيچيده با تنوع نقاط تصميم جهت انطباق با عوامل خارجي و عدم قطعيت ها است. |
| 5 | جهت گيري طولاني مدت | بيانگر گستره زماني نسلي و فرانسلي با لحاظ فرآيند تغييرات اجتماعي است. |
| 6 | رويکرد كل نگر | در پاسخ به ويژگي چند سطحي و چند مقياسي بودن توسعه پايدار به روشي جامع و همگرا ايجاد شده است. اينکه توسعه يك كل است و همه ابعاد را درگير مي كند. |

[**3- جامعه پایدار**](http://www.tejaratefarda.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C-13/18777-%D9%BE%D8%A7%D8%B2%D9%84-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87-%D9%BE%D8%A7%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1)

جامعه پایدار حاصل توسعه‌ای است که ذهنیت و امکان ارتقای همیشگی سلامت اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی آن را فراهم کرده است. اما چگونه این هدف میسر می‌شود؟ امروزه توجه روزافزون به توسعه پایدار و لزوم حفاظت از محیط زیست و اجتماع موجودات سبب شده ضرورت توجه به توسعه پایدار به یکی از چالش‌های مهم سیاستگذاران اقتصادی تبدیل شود. درگذشته هیچ‌گونه رقابت اقتصادی برای استفاده از منابع طبیعی وجود نداشت، انواع منابع به وفور در طبیعت یافت می‌شدند و اقتصاد نیز آنها را بدون هیچ‌گونه محدودیتی مورد استفاده قرار می‌داد. با گذشت زمان همه چیز تغییر کرد و کم‌کم رقابت اقتصادی برای جذب منابع طبیعی شکل گرفت و پیچیدگی‌های آن نیز روز‌به‌روز افزایش یافت. رشد اجتماعات انسانی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی، نوع و سطح تقاضاها را افزایش داد. به مرور محدودیت‌ها و کمبودها شکل گرفتند و دیگر منابع طبیعی نمی‌توانستند همه نیازها و تقاضاهای بشری را برآورده سازند. در اوایل دهه ۷۰، کشورهای توسعه‌یافته کم‌کم متوجه شکنندگی رشد اقتصادی خود که بر پایه استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی بود، شدند. در سال ۱۹۸۷ کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WCED) موسوم به Brundtland گزارشی با نام «‌آینده مشترک ما» منتشر کرد که در آن مباحث توسعه اقتصادی و پایداری زیست‌محیطی را به یکدیگر مربوط می‌ساخت و از آنجا بود که توجه به توسعه پایدار در رشد اقتصادی به دلیل رابطه مستقیم رشد اقتصادی و میزان استفاده از منابع، آغاز شد(نصيري،1381).

**4- شکل‌های متفاوت چشم‌اندازهای توسعه پایدار**

رشد اقتصادی میزان افزایش محصولات و خدمات تولیدشده در بازه زمانی مشخص از سوی یک کشور را گویند که با میزان تغییرات تولید ناخالص ملی در یک بازه زمانی اندازه‌گیری می‌شود. طبق تعریف کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، «‌توسعه پایدار» به توسعه‌ای گفته می‌شود که نیازهای کنونی ما را برآورده سازد بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده در برآورده ساختن نیازهایشان، به خطر افتد. به بیانی دیگر اساس توسعه پایدار وابستگی متقابل میان پایداری بلندمدت محیط زیست و توسعه اقتصادی است که تنها از طریق یکپارچه‌سازی حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیست در فرآیندهای تصمیم‌گیری امکان‌پذیر می‌شود. توسعه پایدار، ترکیبی از دو واژه است که دو جنبه متفاوت، پیشرفت اقتصادی صنعتی و کیفیت محیط زیست را در یک نماد متحد می‌سازد و به عبارت دیگر دو مفهوم اقتصاد و اکولوژی در کنار هم قرار گرفته و زیربنای استراتژی توسعه پایدار را شکل می‌دهند. آنچه در تعاریف مربوط به توسعه پایدار مشترک است جنبه پویایی آن، رفع نیازهای اساسی، توجه خاص به حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب و آلودگی آن است. «رشد اقتصادی پایدار‌» نرخی از رشد است که می‌تواند بدون ایجاد مساله مهم اقتصادی دیگری، به‌ویژه برای نسل‌های آینده، استمرار یابد. در واقع یک توازن میان رشد اقتصادی سریع امروز و رشد آینده وجود دارد. نکته قابل توجه این است که شاید استفاده بیشتر از منابع طبیعی باعث تقویت رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت شود، اما این احتمال نیز وجود دارد که سبب کاهش پایداری زیست‌محیطی شده و پیوسته نرخ رشد اقتصادی را در بلندمدت کاهش دهد. بنابراین در هر جامعه، میزان استفاده بهینه از منابع طبیعی، توسعه و رشد پایدار را برای آن جامعه تضمین خواهد کرد.

در استراتژی‌های توسعه پایدار، اهمیت نوع دیدگاه نسبت به مفهوم رشد اقتصادی ضروری است. در ادامه، مفهوم رشد از سه دیدگاه مطرح می‌شود: رشد به‌عنوان یک پدیده، رشد به‌عنوان یک نهاد و رشد به‌عنوان یک ایدئولوژی. هر کدام از این دیدگاه‌ها چشم‌اندازهای متفاوتی را از نقش رشد اقتصادی در توسعه پایدار ارائه می‌کنند(بهرام زاده،1389).

توسعه پایدار، ترکیبی از دو واژه است که دو جنبه متفاوت، پیشرفت اقتصادی صنعتی و کیفیت محیط زیست را در یک نماد متحد می‌سازد و به عبارت دیگر دو مفهوم اقتصاد و اکولوژی در کنار هم قرار گرفته و زیربنای استراتژی توسعه پایدار را شکل می‌دهند.

-  مفهوم اول رشد یعنی «رشد به‌عنوان یک پدیده‌» نتایج واقعی و عینی رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد. از این منظر رشد اقتصادی یک واقعیت قابل رویت است که علاوه بر دارا بودن اثرات مثبتی همچون افزایش سرانه تولید ناخالص ملی و افزایش تولید محصولات متنوع و اشتغال بیشتر، دارای اثرات منفی همچون تورم، افزایش اختلاف درآمدها و افزایش ساعات کاری است. امروزه رشد اقتصادی به دلیل افزایش اثرات منفی و کاهش اثرات مثبت مورد انتقادهای فراوانی قرار گرفته است. با توجه به اثرات زیست‌محیطی هر فعالیت اقتصادی، سوال کلیدی در این مفهوم از رشد اقتصادی این است که کدامین رشد اقتصادی می‌تواند کاملاً از اثرات منفی زیست‌محیطی تفکیک شود، به‌طوری که تمامی این اثرات تخریبی در مدت معینی کاهش یابند. منتقدان رشد توانایی رشد اقتصادی را در افزایش رفاه افرادی که قبل از این هم از زندگی با استاندارد بالایی بهره‌مند بوده‌اند، مورد پرسش قرار می‌دهند(حیدری،1392).

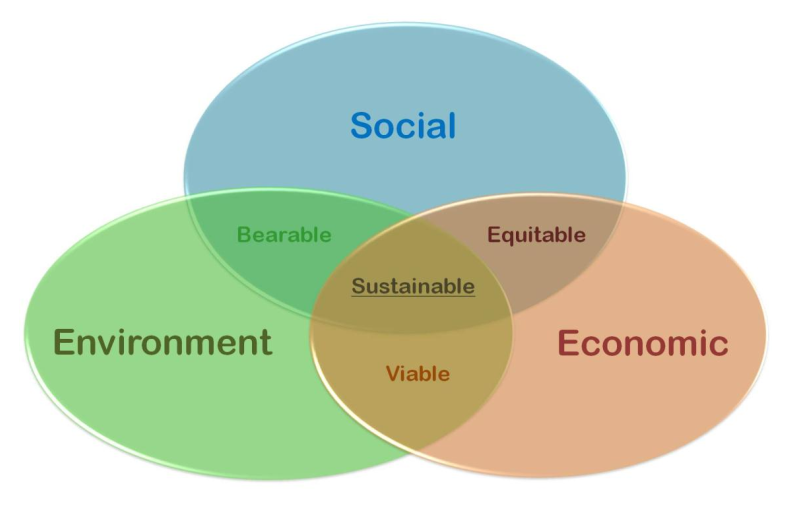
- مفهوم دوم رشد «رشد اقتصادی به‌عنوان یک نهاد‌» است. نهادها با قوانین، هنجارها و عادات مشترک اجتماعی، به‌عنوان هماهنگ‌کننده فعالیت‌های فردی و گروهی تعریف می‌شوند. در میان نهادهایی که از رشد اقتصادی پشتیبانی می‌کنند، عباراتی همچون فرهنگ مصرف‌کننده، سیستم قیمت‌گذاری، رقابت به‌خصوص در زمینه بهره‌وری، انتظارات متداول و دوره برگشت مالی، بسیار رایج هستند. فرهنگ مصرف‌کننده و به‌خصوص چگونگی مصرف، در رشد اقتصادی تاثیر بیشتری نسبت به رشد رفاه اقتصادی، اجتماعی دارد. چگونگی مصرف، بازی مجموع صفر است و به بیان دیگر، وقتی تعدادی از مردم از نردبان اجتماعی یا اقتصادی بالا می‌روند، بقیه مردم در پایین‌تر از آنها خواهند بود. در اینجا منتقدان رشد، به ایده اصلی آدام اسمیت اشاره می‌کنند که رشد اقتصادی را به تقسیم کار، تولید بیشتر و وجود بازارهای گسترش‌یابنده مربوط می‌دانست و برای فروش بیشتر محصولات، تجارت آزاد را توصیه می‌کرد. بدین معنی که تولید بیشتر، باعث فروش و مصرف بیشتر و در نتیجه رشد اقتصادی خواهد بود ولی آیا این روند روحیه مصرف‌گرایی و اسراف‌گرایی بیشتر را دامن نخواهد زد. افزایش مصرف کالاها و خدمات در طول زمان به دلیل افزایش تقاضای داخلی و خارجی هرچند نشانگر افزایش رفاه و سطح زندگی است، ولی تامین تقاضا با فشار بر منابع طبیعی، موجب تنزل کیفیت محیط زیست می‌شود که از آن به عنوان تنزل یا تخریب محیط زیست یاد می‌شود. اغلب فعالیت‌های تولیدی و مصرفی هزینه‌های جانبی به بار می‌آورند که به دلیل نبود سازوکار مناسب ارزش‌گذاری، در محاسبات تولید ناخالص ملی به‌خوبی منعکس نمی‌شود. در بلندمدت، کاهش کیفیت زندگی از طریق اثرات منفی انواع آلودگی محیطی، روی تولید و رفاه ملی اثر می‌گذارد. یک راه برون‌رفت از این مساله، ساخت جوامعی است که متکی به رشد اقتصادی نباشند، این جوامع امکانات کافی برای یک زندگی استاندارد را دارند، اما فراتر از آن اینکه، آنها در حالی که اثرات زیست‌محیطی را در سطحی از پایداری نگه می‌دارند تلاش‌ها و منابعشان را به سمت شکوفایی بشر هدایت می‌کنند(مولدان،1391).

-  مفهوم سوم رشد «رشد اقتصادی به‌عنوان یک ایدئولوژی‌» است. ایدئولوژی به یک چارچوب فکری مشتمل بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها و معیارها برای یک واقعیت مشخص، اشاره کرده و در ضمن به فعالیت‌هایی که از سوی یک گروه یا اعضای آن انجام شود، مشروعیت می‌بخشد. کلمه ایدئولوژی رشد اقتصادی، در سیاست، کسب‌وکار و در بحث‌های عمومی بسیار گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ایدئولوژی رشد، رشد اقتصادی برابر با رفاه و حتی سلامت و به‌تدریج به‌عنوان منشأ همه چیزهای خوب در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر آن، رشد اقتصادی به‌عنوان یک پیش‌فرض برای حل مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و اخلاقی است به‌طوری که در غیاب رشد، مردم قادر به دریافت ارزش‌های اقتصادی نیستند. در اینجا منتقدان رشد اشاره می‌کنند که رشد نباید به‌صورت ناخودآگاه مطلوب در نظر گرفته شود و در مجموع آنکه، هر فرد قبل از هرگونه نتیجه‌گیری باید خوب بنگرد که رشد چیست و چه عواقبی برای جامعه و طبیعت دارد و در ادامه باید مراقب باشد که توسعه پایدار میان عقاید تعصب‌آمیز درباره رشد اقتصادی محو نشود.

در انتهای سه مفهوم مطرح‌شده، نه کوچک‌سازی پیوسته اقتصاد پیشنهاد می‌شود و نه رشد اقتصادی محکوم می‌شود و به‌جای آنها، اصول انتخاب صحیح (کوچک‌سازی فعالیت‌های با اثر منفی روی محیط زیست یا رفاه بشر، رشد یا حداقل حفظ فعالیت‌های با اثر مثبت روی محیط زیست) پیشنهاد می‌شود و به این واسطه ما را وادار به تفکر عمیق‌تری در مورد توسعه پایدار و انتخاب صحیح شاخص‌های آن می‌کند. بنابراین اگر ما بتوانیم از رفاه و زیست بهتر بشر حمایت کرده و هم‌زمان زوال زیست‌محیطی را نیز کاهش دهیم، افزایش یا کاهش رشد اقتصادی دیگر مهم نخواهد بود. در نهایت آنکه میان توسعه پایدار و رشد اقتصادی تفاوت مفهومی عمیقی وجود دارد و آنچه لازم و ضروری به نظر می‌رسد این است که باید اهداف و سیاست‌های پایدارکننده کنونی از نو تهیه و تدوین شوند که لازمه آن تغییر و تحول بنیادین در نحوه پندار، کلام و عمل برای پایداری است(حیدری،1392).

**5- سازمان ملل در راستای نیل بر پایداری**

بنا به دعوت کنفرانس سازمان ملل پيرامون محيط زيست انسانی ، در سال 1971 و در كشور سوئيس اجلاسی با حضور کارشناسان با هدف ايجاد ارتباط بين توسعه اقتصادی و محيط زيست تشکيل شد. اين حرکت در اجلاس "استکهلم"در سال 1972 قوت بيشتری گرفت و در اعلاميه کوکويوک در سال 1974 تفسير جامع تر و عميق تري از آن عرضه شد. چالش جديدي که در آغاز، توسعه بومشناسانه خوانده می شد، سرانجام با عنوان توسعه پايدار عالم گير شد تا به طرح الگويی برای توسعه اقتصادی بپردازد که برای محيط زيست بشری نيز مضر نباشد(موسي زاده، 1383).



اجلاس سازمان ملل متحد در زمينه محيط زيست و توسعه پايدار که يكي از بزرگترين و معتبرترين گردهمايی هاي سازمان ملل متحد به شمار مي آيد، در سال 1992ميلادي (1371 خورشيدي) در شهر ريودوژانيرو برزيل آغاز به کار کرد و در آن نماينده هايی از 172کشور دنيا و 2400 نفر از سازمان هاي مردم نهاد (NGO)شرکت نمودند.

اين اجلاس با عناوينی همچون "اجلاس ريو"، "کنفرانس ريو" و "اجلاس زمين" نيز شناخته می شود. يكي از مهم ترين مصوبه هاي اين اجلاس، تصويب "Agenda" بود. كلمه Agendaبه معني دستور كار و 21 به منزله ورود به قرن 21 يا سال 2000 ميلادي است. سرفصلهاي اين دستور كار خود در چهل فصل تدوين شد و هدف اصلي آن رسيدن به توسعه پايدار همه جانبه بود. مبارزه با فقر، تغيير الگوي مصرف، جمعيت و پايداري، حفظ و توسعه بهداشت انسان، مديريت پايدار منابع زميني، مبارزه با جنگل زدائي، مديريت صحيح فناوري هاي زيستي، حفاظت و مديريت اقيانوس ها، حفاظت و مديريت كودكان و نوجوانان در توسعه پايدار، تقويت نقش مردم بومي، تقويت نقش سازمانهاي مردم نهاد و ... از جمله مهم ترين اين سرفصلها به شمار مي رفتند. از زمان شروع به کار اين اجلاس کشورهای جهان متوجه شدند، براي رسيدن به اهداف توسعه پايدار، تنها به حضور دولت ها نبايد اكتفا كرد. بنابراين نياز است که تمام گروه های جامعه و همه اقشار مردم از جمله، کشاورزان، کارمندان، تجار، دانش آموزان، دانشجويان، محققان، اساتيد دانشگاه ها و .... در اين زمينه مشارکت فعال داشته باشند(همان).

از آن به بعد، بر مسئله توسعه پايدار به عنوان اساسى ترين، حياتى ترين و محورى ترين مناظره در قرن بيست و يکم تأکيد بسيار مى شود به طوري كه اصطلاح "توسعه پايدار" امروزه به عنوان يكي از اصلي ترين موضوعات مورد بحث كنفرانسها، مؤسسات پژوهشي و نهادهاي بين المللي و بخصوص برنامه ريزان رشد و توسعه اقتصادي كشورها درآمده است.

در طول همه اين سالها جلسات متعددي درباره شناخت و تفسير زواياي مختلف توسعه پايدار از سوي دولت هاي پيشرفته و يا در حال توسعه در اقصي نقاط دنيا برگزار شده است. تا جايي كه امسال سران كشورها، رهبران دولت ها، نمايندگان بلندمرتبه سازمان

ملل و جامعه جهاني جهت شركت در هفتادمين جلسه مجمع عمومي سازمان ملل متحد در نيويورك حضور يافتند تا در كنار ملاقات با يكديگر، تصميمي تاريخي را نيز اتخاذ كرده و اهداف جديد برنامه توسعه پايدار را به تصويب برسانند اين تصميم، دستورالعملي جهان شمول، بلندپروازانه و دستوراتي در راستاي توسعه پايدار را دربر مي گيرد و در واقع دستور كاري "از مردم، بوسيله مردم و براي مردم" به شمار مي آيد كه با مشاركت فعال يونسكو طرح ريزي شده است(Roufechaei,2013) .

در طي اين نشست براي كشورها اين امكان فراهم شد تا يك سري از اهداف را براي پايان دادن به فقر، حفاظت از كره زمين و ايجاد رفاه براي همگان به عنوان بخشي از " اهداف جديد توسعه پايدار" تنظيم نمايند. اين اهداف جديد سرفصل هايي از قبيل مردم، كره زمين، رفاه،صلح و مشاركت را در بر مي گيرد. هر هدف، خود از اهداف مشخصي تشكيل شده است كه بايد نهايتا تا 15 سال آينده به آنها رسيد.براي نيل به اين اهداف، همه آحاد جامعه، از دولت و بخش خصوصي گرفته تا جوامع مدني و مردم بايد وظيفه خود را به طور صحيح انجام دهند(همان).

**6- خلاصه راهنمای آرمان‌های توسعه‌پایدار**

این راهنما تلاش‌ اولیه‌ای در جهت دستيابي به آرمان های توسعه پايدار در شهرها و كشورهاست.  راهنماي مذكور قدم‌های اولیه برای تحقق اهداف توسعه‌ شهری را مطرح نموده و به مسائل مالی، بودجه­ ای و خدمات رسانی نمي ­پردازد. علاوه بر اين در تلاش است تا با ارائه‌ راهبردها، از بحث‌های آکادمیک و دست اندرکاران این حوزه در کشورهای مختلف حمايت نمايد.

آرمان­ هاي توسعه پايدار شامل مجموعه منسجمی است كه وظايف كشورها را تا سال 2030  تعيين كرده و با استفاده از تجربیات پیشین یعنی اهداف توسعه هزاره به ارائه راهبردهايي برای حل مشکلات کره‌ زمین در زمینه‌ فقر، آب  سالم، محیط زیست، عدالت، انرژی و آموزش مي‌­پردازد. در توضيح بيشتر اهداف توسعه هزاره مي­توان گفت كه اين مجموعه شامل بسته‌ای خلاصه شده از اهداف و راهبردها برای حل مشکلات مذكور بود که مرکز توجه آن فقیرترین افراد کره‌ زمین بوده و در تحقق اهداف خود نسبتا موفق عمل کرده است.در سپتامبر سال 2015 میلادی سران دولت­ها با تصویب دستور کار 2030 بر تعیین مسیری به سوی توسعه پایدار توافق کردند. این دستورکار که حاوی 17 آرمان و 169 هدف است اهداف عمیاتیِ کمی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستیِ توسعه پایدار در نظر گرفته که باید تا سال 2030 تحقق یابند. این اهداف چارچوبی برای اقدامی مشترک با عنوان “برای مردم، زمین و شکوفایی” تدوین کرده ­اند که باید توسط همه کشورها و بهره ­وران اجرایی شود (موسي زاده،1383).

نهايتا در روز 25 سپتامبر 2015 (3 مهر ،1394) طبق قطعنامه شماره ۱/70 سازمان ملل متحد كه در چهارمين جلسه عمومي آن مطرح شد، دستورالعمل 2030 جهت نيل به اهداف توسعه پايدار در 17 بند ذيل به تصويب مجمع عمومي رسيد:

**جدول شماره1: اهداف سازمان ملل در راستای توسعه پایدار(موسي زاده،1383).**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | اهداف سازمان ملل | |
| 1 | ريشه كن كردن فقر | فقر را در هر جايي و به هر شكلي پايان دهيم. |
| 2 | ريشه كن كردن قحطي غذا | قحطي غذا را پايان بخشيم و كشاورزي پايدار را توسعه دهيم. |
| 3 | بهداشت و سلامت مناسب | زندگي بهداشتي و رفاه را براي تمامي سنين تضمين نماييم. |
| 4 | برابري آموزش | آموزش مكفي و با كيفيت را براي همگان فراهم آوريم. |
| 5 | تساوي جنسي | براي رسيدن به برابري جنسي تلاش كنيم. |
| 6 | آب و سيستم فاضلاب | دسترسي به آب سالم و فاضلاب را براي همه فراهم آوريم. |
| 7 | انرژي پاك و مقرون به صرفه | دسترسي به انرژي پاك، مقرون به صرفه، قابل اعتماد، پايدار و مدرن را براي همگان تضمين نماييم. |
| 8 | رشد اقتصادي | رشد اقتصادي پايدار و همه جانبه را براي همگان فراهم نماييم. |
| 9 | نوآوري هاي صنعتي | زيرساخت هاي انعطاف پذير بسازيم، صنعتي سازي پايدار را ارتقا بخشيم و نوآوري ها را پرورش دهيم. |
| 10 | كاهش نابرابري ها | نابرابري ها را بين خود كشورها و جوامع بشري كاهش دهيم. |
| 11 | شهرها و جوامع پايدار | شهرها را به طور نسبي امن، قابل سكونت و پايدار نماييم. |
| 12 | توليد و مصرف مسئولانه | الگوهاي توليد و مصرف مسئولانه را تضمين نماييم. |
| 13 | اقدام درباره وضعيت آب و هوا | فورا براي مبارزه با تغييرات آب و هوايي و تاثيرات آن اقدام نماييم. |
| 14 | دنياي زير آب | منابع دريايي، اقيانوسي و زيرآبي را بطور پايدار مصرف نماييم. |
| 15 | زندگي بر روي كره زمين | به طور پايدار جنگل ها را مديريت نماييم، با بيابان زايي مبارزه كنيم، تخريب زمين را متوقف نموده و به جاي آن در حفظ زمين كوشا باشيم، تخريب تنوع زيستي را متوقف كنيم. |
| 16 | صلح و عدالت | جوامع صلح طلب و عدالت جو را توسعه و ارتقا بخشيم. |
| 17 | مشاركت براي نيل به اهداف | همكاري جامعه جهاني براي نيل به اهداف توسعه پايدار را دوباره احيا نماييم. |

بعد از آن سازمان يونسكو موارد ذيل را برجسته كرده و اهميت آنها را مجددا مورد تاكيد قرار داده است:

**جدول شماره2: اهداف سازمان یونسکو**

|  |  |
| --- | --- |
| ردیف | سازمان یونسکو |
| 1 | آموزش فراگير و مكفي براي همگان جهت دستيابي به توسعه پايدار |
| 2 | محافظت از ميراث فرهنگي و مبارزه با قاچاق غيرقانوني اشياء فرهنگي |
| 3 | حل بحران آموزشي STEMدر زمينه هاي دانش، فناوري، مهندسي و رياضيات كه امروزه دنيا با آنها مواجه هستند |
| 4 | سرمايه گذاري در زمينه جوانان و دسترسي به آموزش مكفي جهت مقابله با افراط گرايي خشونت آميز |
| 5 | نقش آزادي بيان و دسترسي به اطلاعات و دانش در توسعه پايدار |

يونسكو به طور مستمر كمك مي كند تا مقوله آموزش، به عنوان هدف شماره 4 اهداف توسعه پايدار، در چهارچوب دستورالعمل برنامه آموزش 2030 گنجانده شود. مقوله آموزش درواقع در تحقق بسياري از اهداف از قبيل توليد و مصرف پايدار، تغييرات آب و هوايي، اشتغال و بهداشت، مهم و ضروري به حساب مي آيد. بيانيه "اينچئون" كه در انجمن آموزش جهاني در ماه مي 2015 در كشور كره تصويب شد، در حقيقت كار را به يونسكو سپرد تا برنامه آموزشي 2030را از طريق حمايت هاي فني و طبق دستورالعمل كلي اهداف توسعه پايدار، هدايت و راهنمايي نمايد(الیوت، 1378).

**جدول شماره3: دستورالعمل های یونسکو جهت دستیابی به توسعه پایدار**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | دستورالعمل های یونسکو | |
| 1 | علوم طبيعي | در واقع دستورالعمل جديد 2030 جهت توسعه پايدار، قدم قابل توجه و رو به جلوئي را در جهت به رسميت شناختن علم، فناوري و نوآوري براي توسعه پايدار ارائه مي كند. |
| 2 | علوم انساني و اجتماعي | هدف برنامه علوم انساني و اجتماعي يونسكو اين است كه در اجراي برنامه هاي توسعه پايدار پس از ، 2015 از ارزش ها و اصول جهان شمول از قبيل همبستگي جهاني، احساس همدردي با انسانها، رفتارهاي ضد تبعيض نژادي و پاسخگويي و احساس مسئوليت به نحوي پايدار و در عين حال مستحكم محافظت شود. |
| 3 | فرهنگ | قرار دادن فرهنگ در قلب سياست هاي توسعه پايدار، به منزله سرمايه گزاري ضروري در قبال آينده ي دنيا است. اين امر پيش شرطي براي فرآيندهاي جهاني موفقيت آميز به حساب مي آيد كه اصول تنوع فرهنگي را تشكيل مي دهند. |
| 4 | ارتباطات و اطلاعات | يونسكو از به رسميت شناخته شدن نقش حياتي اي حمايت مي نمايد كه آزادي بيان و دسترسي به اطلاعات و دانش در توسعه پايدار در فرآيندهاي پس از توسعه بازي مي كند. |

**6-1 فعاليت هاي برنامه توسعه ملل متحد در ايران**

همكاري برنامه توسعه ملل متحد با ايران برمبناي برنامه ملي با هدف تسهيل در هماهنگي اهداف و فعاليتهاي دولت و برنامه توسعه ملل متحد و تطبيق كمکهاي برنامه توسعه ملل متحد با برنامه هاي توسعه ايران اجرا مي شود. برنامه سوم ملي با دولت براي دوره (1330ـ 1338) انجام شد و برنامه كشوري (1318ـ 1311) در حال اجراست,2011) Rowena .(برنامه كشوري برنامه توسعه ملل متحد براي ايران، عمدتاً بر تقويت ظرفيت سازي و توانمندسازي به منظور دستيابي به آرمانهاي توسعه هزاره، ارتقاي مديريت و تجارب مطلوب، بهبود عملكرد اقتصادي و توليد اشتغال، همچنين توسعه پايدار، مديريت بالياي طبيعي و استفاده از انرژي تأكيد دارد. برنامه توسعه ملل متحد به ايران براي برطرف كردن چالشهاي مربوط به محيط زيست و اجراي تعهدات آن در مورد كنوانسيونهاي بينالمللي مربوط به محيط زيست درزمينه مبارزه با بيابانزايي، حمايت از تنوع زيستي، كاهش توليد گازهاي گلخانهاي، مديريت آلاينده هاي ارگانيک پايدار، حصول اطمينان از مديريت پايدار منابع آب و خاک، و حذف مواد ازبينبرنده اليه ازن ياري ميرساند. برنامه توسعه ملل متحد همچنين به ايران كمک ميكند بر استفاده بهينه از انرژي، كاهش پيامدها و عوارض زيستمحيطي برنامه ها و طرحهاي توسعه تمركز كند. اين برنامه همچنين با دولت ايران براي كاهش تأثير بالياي طبيعي بر توسعه اقتصادي و اجتماعي همكاري مي كند (سازمان ملل متحد در ايران، 1350). با بررسي نقش برنامه ها و پروژه هاي برنامه توسعه ملل متحد به منظور رفع برخي موانع اجرايي حق بر محيط زيست سالم به ارزيابي چگونگي انطباق اين برنامه ها با اصول و شاخصهاي آن و ميزان تأثيرگذاري و همسو بودن الگوها و ايدههاي اين برنامه در قوانين توسعهاي ايران مي پردازيم.

**6-2 مفهوم عام توسعه در جامعه ایران**

اگر بخواهیم نگاهی عمیق به مفهوم رشد و توسعه در جامعه ایران بیندازیم، خواهیم دید که ریشه اصلی بسیاری از انحرافات و فرآیندهای معیوب مربوط به توسعه پایدار، در عدم نگرش سیستمی و نوع پارادایم یا برداشت ذهنی است. با توجه به نشانه‌ها و قرائن موجود در جامعه ما می‌توان این نکته را دریافت که چقدر به نشانه‌ها و علائم رشد اقتصادی مانند ساخت مراکز و کارخانه‌های صنعتی، ساختمان‌های مجهز، دانشگاه‌ها و غیره توجه شده و صدالبته که تصور می‌کنیم این‌گونه موارد نشانه‌هایی از افزایش رشد و توسعه جامعه ماست. وجود ساختمان، کارخانه، مراکز صنعتی و خدماتی بزرگ شاید نشان از رشد اقتصادی داشته باشند ولی الزاماً نشان از توسعه نخواهند بود. مشکل اساسی توسعه ما در کمبود منابع، سرمایه و حتی در دست‌های نهانی که منابع ما را به یغما می‌برند، نیست بلکه در نوع تفکر، اندیشه و پارادایم ماست. در سطح کلان، عدم تفکر سیستمی که در چشم‌اندازها، اهداف و برنامه‌های سازمان‌ها و نهادهای گوناگون وجود دارد موجب شده است رشد هرچند اندک اقتصادی ما موجب توسعه پایدار ما نشود و نکته‌ای که هیچ‌گاه نباید فراموش شود این است که توسعه یک فرآیند علمی است و منطق و قوانین علمی آن برای همه جوامع، یکسان است ولی تفاوت اصلی در روش‌های توسعه یافتن است. با مشاهده علائم ظاهری ناشی از رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته به مرور این باور در ما شکل گرفت که با کسب این ظواهر به اصولی که موجب رشد اقتصادی و توسعه پایدار در آن کشورها شده است، می‌توان دست یافت. به عبارتی دیگر در برخی از دیدگاه‌ها، سعی بر این است که این فرآیندها را نیز مهندسی معکوس نکرده و فقط با شبیه‌سازی خود با نتایج حاصله در کشورهای توسعه‌یافته به اصول کسب رشد اقتصادی و توسعه پایدار دست یابند. در برخی از دیدگاه‌ها نیز فرآیند رشد و توسعه همچون یک فرآیند مکانیکی در نظر گرفته می‌شود و حال آنکه رشد و توسعه مانند یک موجود زنده است که اگر با تفکری سیستمی به آن نگریسته شود و پیش‌نیازهای لازم برای آفرینش آن نیز فراهم باشد، مانند یک پدیده کامل پدیدار خواهد شد. همچنین در جامعه ما به پیش‌فرض‌های رشد اقتصادی بیشتر از پیش‌فرض‌های توسعه پایدار اهمیت داده شده و تمامی تلاش‌ها و کوشش‌ها در جهت افزایش رشد اقتصادی بدون ایجاد و تقویت زیرساخت‌های پایدارکننده آن انجام شده است. آنچه مسلم است و همیشه نیز مغفول واقع می‌شود این است که به هیچ‌وجه حل این نوع مسائل با راهکارهای موردی و کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نخواهد بود (موسي زاده،1383).

**6-3 راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار در ایران**

بیش از نیم‌قرن است که به‌طور سنتی، بودجه کل ایران بر مبنای درآمدهای حاصل از نفت و گاز تنظیم می‌شود، به عبارت دیگر سایه نفت بر اقتصاد کشور، مانعی اساسی برای پی‌ریزی اقتصاد دانش‌محور است. منبع پیشرفت صنعت، تکنولوژی است و تکنولوژی، حاصل فعالیت‌های تحقیق و توسعه. فرآیند یادشده به این ترتیب تعریف شده است: تحقیق و توسعه، تکنولوژی، طراحی محصول، فرآیند مهندسی تولید و بازاریابی. با توجه به عدم شکل‌گیری صنعت در ایران بر اساس فرآیند مورد اشاره و وابستگی شدید تکنولوژیک به کشورهای دیگر، نیاز چندانی هم به تحقیق و توسعه و نوآوری احساس نشد و به‌رغم گسترش بسیاری از صنایع، حصول به خوداتکایی صنعتی نیز در ایران صورت نگرفت. برخی از کشورهای در حال توسعه به علت برنامه‌های کوتاه‌مدت و مشغولیت‌های روزمره، تحمل سرمایه‌گذاری‌های کلان و درازمدت در تحقیق و توسعه را ندارند. حال آنکه سرمایه‌گذاری در تحقیق، نتایج بلندمدت داشته و نیازمند صبر و تلاش هدفمند و مستمر است. فقدان سیاستگذاری و مشخص نبودن اولویت‌ها، دولتی بودن

تحقیقات و نگاه تبلیغاتی به تحقیق از جمله مواردی هستند که فضای قابل اعتمادی را برای گسترش و رونق تحقیقاتی نوید نمی‌دهد. در ایران، تحقیقات هنوز از جایگاه و منزلت لازم برخوردار نیست و هنوز هم در باور عمومی، پژوهشگری یک شغل به حساب نمی‌آید. اگر تکنولوژی‌های وارداتی تاکنون کمکی به توسعه صنعتی ما نکرده، به این دلیل است که تحقیق و توسعه مناسب و پشتیبان این فناوری‌ها وجود نداشته است. اتکای بیش از حد دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی به منابع دولتی موجب شده این مراکز تمایلی به روی آوردن به صنعت و منابع مالی بخش خصوصی نداشته باشند (حیدری ،1392). در کشورهای توسعه‌ یافته، صنعت و دولت وابستگی متقابل دارند. صنعت منابع مالی لازم را برای هزینه‌های دولت از طریق پرداخت مالیات تامین می‌کند و دولت نیز با استفاده از این منابع موجبات رقابت‌پذیری و رشد صنعت را فراهم می‌آورد. دانشگاه و صنعت، حلقه‌های به هم پیوسته حرکت در مسیر توسعه هستند. دانشگاه‌ها وظیفه تربیت نیروی انسانی و خلق فضای دانایی را بر عهده دارند و عملکرد صنعت، شاخص تولید و سازندگی است. صنعت ضمن اینکه آزمایشگاهی علمی و مکانی برای تجربه آموخته‌های دانشگاهی است، هم به نیروی انسانی آموزش‌دیده و متخصص برای مشاغل فنی و مدیریتی و هم به تحقیق و توسعه برای دستیابی به فناوری نیاز دارد. در ادامه به چند راهکار که از تجارب و دستاوردهای کشورهای پیشرفته می‌توان دریافت اشاره می‌کنیم:

* ایجاد رابطه موثر و نهادینه بین دانشگاه و صنعت و فراهم کردن زیرساخت‌های لازم از سوی فرآیندهای سیاستگذاری و اجرا برای برقراری و استمرار این ارتباط از سوی دولت.
* تقویت همسویی دانشگاه و صنعت از سوی ساختار کلان اقتصادی، صنعتی و علمی.
* تعیین اولویت‌ها در بخش‌های تحقیقات و صنعت بر اساس آینده ‌پژوهی.
* ایجاد و توسعه موسسات واسطه مثل پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد واحدهای فناور، مراکز کارآفرینی، مراکز تجاری‌سازی تکنولوژی و واحدهای ارتباط دانشگاه و صنعت که حلقه‌های ارتباط بین دانشگاه و صنعت را به وجود می‌آورند.
* روشن و شفاف بودن حقوق مالکیت فکری و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی (‌WTO‌) و سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO)
* مشارکت و سرمایه‌گذاری مشترک دانشگاه و صنعت در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و مراکز تحقیقاتی.
* ایجاد مراکز مشاوره‌ای از طرف دانشگاه‌ها برای صنایع و در اختیار قرار دادن آزمایشگاه‌های دانشگاه‌ها برای آنها.
* ایجاد صندوق‌های مالی و سرمایه‌گذاری صنایع و دولت، برای تامین هزینه‌های تحقیق و توسعه مورد نیاز دانشگاه‌ها.
* ورود دانشگاه‌ها به حوزه‌های کارآفرینی و ایجاد و توسعه شرکت‌های مشتق از دانشگاه‌ها.
* اقدام به همکاری‌های منطقه‌ای در سطح کلان و بین‌المللی و ایجاد شبکه‌های مختلف همکاری در زمینه‌های تحقیق و توسعه.
* استفاده از انرژی‌های پاک مانند انرژی بادی، آبی و خورشیدی به‌جای انرژی‌های فسیلی که عامل اساسی در افزایش میزان آلودگی کره زمین و افزایش دما هستند.
* به حداقل رساندن آثار زیان‌بار و حفاظت از محیط زیست در بهره‌برداری از منابع طبیعی غیرقابل تجدید‌پذیر.
* استفاده از شیوه‌های مختلف بازیافت و حفاظت از محیط زیست در استفاده از منابع تجدیدپذیر مانند جنگل‌ها، مراتع، خاک و کاهش در منابع تولید گازهای گلخانه‌ای و دی‌اکسید کربن.
* کنترل مناسب جمعیت و توزیع بهینه آن متناسب با آمایش سرزمین. دولت برای تقویت محرک‌های توزیع بهینه جغرافیای جمعیت، استراتژی‌های اقتصادی سرمایه‌گذارانه نه خدمت‌گرایانه همچون توسعه قطب‌های توسعه منطقه‌ای و صنعت توریسم را اتخاذ می‌کند.
* استفاده از تکنولوژی‌های زیستی برای برآورده ساختن نیازهای فعلی و آتی.
* استفاده از روش‌های ارزیابی زیست‌محیطی قبل از اجرای پروژه‌ها و برنامه‌های مختلف در نواحی مختلف به منظور ارزیابی آثار زیست‌محیطی پروژه‌ها و به حداقل رساندن آثار زیانبار محیطی آنها.
* کمک به جوامع فقیر و تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی آنها در جهت کاهش بهره‌برداری بیش ازحد از منابع طبیعی.

**نتیجه‌گیری**

قرن بیست و یکم مواجه با بحث جدال‌انگیز توسعه پایدار است و توسعه پایدار هدف آرمانی کلیه جوامع است. می‌توان جامعه پایدار را جامعه‌ای دانست که حاصل توسعه‌ای است که ذهنیت و امکان ارتقای همیشگی سلامت اجتماعی، اقتصادی و زیست‌ محیطی آن را فراهم کرده است. اگرچه مشکلات خاص و گسترده باعث شده توجه و تمرکز کشورهای جهان سوم بیشتر بر حصول توسعه باشد تا پایداری آن ولیکن باید توجه داشت از میان برداشتن شکاف میان دو دنیای توسعه‌یافته و در حال توسعه بدون پایداری فرآیند توسعه، امکان‌پذیر نیست. اصطلاح «توسعه» معطوف به ارتقای سطح و کیفیت زندگی افراد و بهبود رفاه جامعه است و «پایداری» آن اشاره به استمرار این فرآیند در طول نسل‌های بشر دارد. به این ترتیب توسعه پایدار کلیه جنبه‌ها و ابعاد زندگی بشر را در‌بر می‌گیرد و بر این اساس نباید انتظار داشت این مقوله به‌سادگی قابل تعریف، درک، سنجش و به سهولت قابل دستیابی باشد. براي رسيدن به توسعه پايدار، نيازمند تغييرات رفتاري و تغيير اجتماعي هستيم. آينده پايدار از نگاه زيست محيطي بستگي به نحوه تغييرفرهنگ توليد و فرهنگ مصرف در ارتباط با تغيير زيست بوم و بافتار فناوري و اجتماعي سياسي مي باشد. به عنوان مثال توجه به جنبه هاي توانمندساز و درعين حال محدودكننده فناوريهاي جديد، مي تواند پابرجايي و پايداري توسعه را ضمانت كند. به عبارتي مفهوم توسعه پايدار فقط به انجمن هاي علمي اختصاص ندارد و بايد براي عموم جامعه تصوير شود از اين رو رواج انديشه دورنگر و توجه عموم به پيامدهاي رفتاري كه يکي از اهداف آينده پایدار است، مي تواند در اين خصوص سازنده باشد. بطور خلاصه مي توان گفت نقطه عطف ارتباط آينده پایدار و توسعه پايدار، ارزيابي مطلوبيت سناريوهاي آينده و فرآيند استخراج آنها و تبديل به اقدام در يك فرآيند مشاركتي با مشاركت عامه مردم مي باشد.

**منابع:**

* حیدری ج، 1392، مبانی و مفاهیم توسعه پایدار. تهران: آذرخش.
* الیوت، جنیفر؛1378، مقدمه ای بر توسعه پایدار؛ نشر موسسه توسعه روستایی ایران.
* سدریک، پاگ؛ 1383، شهرهای پایدار در کشورهای در حال توسعه؛ مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
* طبسی م ، نادمی د. بررسی ارتباط بین توسعه پایدار صنایع کشور و طراحی صنعتی فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد شوشتر 1389،139 -268.
* مولدان، بدريچ، سوزان بيلهارز ،1391، شاخص هاي توسعه پايدار، ترجمه نشاط حداد تهراني، دكتر ناصر محرم نژاد،  
  انتشارات سازمان حفاظت محيط زيست
* نصيري، حسين ،1381، توسعه پايدار- چشم انداز جهان سوم،تهران، انتشارات فرهنگ و انديشه
* بهرام زاده، حسين علي، 1389، توسعه پايدار، مجله تدبير، شماره 134، ص 42-35.
* موسي زاده، رضا ،1383، سازمانهاي بين المللي، چاپ چهاردهم، تهران، نشر ميزان
* سازمان ملل متحد در ايران،1350، نظام ملل متحد در جمهوري اسلامي ايران، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
* Roufechaei, Kamand M , Abu Hassan Abu Bakar, Amin Akhavan Tabassi,2013. Energy-efficient designfor sustainable housing development. Journal of Cleaner Production xxx,1-9. Journal of Cleaner Production
* Rowena , Morrow, Acting together: intergenerational values and wisdom, futures 42 , 2010, p 83.